



● محمد جعفر نوروز شاد
تهیه کننده رادیو کرج

در فرهنگ فارسی عمید ذیل عنوان «گفتار» آمده است: «سخن گفتن» به معنای سخن هم به کار می رود. اما آیا می توان در رسانه ای به نام رادیو که پیوندی عمیق با گفتار دارد به همین معنا بسنده کرد و با مخاطبان سخن گفت؟ در این مقاله با مطالعه لفظ و معنی برخی ویژگی های گفتار رادیویی مطلوب را بررسی می کنیم.

لفظ در زبان گفتار

دکتر پرویز ناتل خانلری در کتاب **درباره وزن شعر** در بخشی که به بررسی «زبان گفتار» اختصاص یافته می نویسد: «در زبان گفتار لفظ به اعتبار دلالت بر معنی به کار می آید و بس. یعنی لفظ چون کار خود را که دلالت است انجام داد علت وجودی خود را نیز از دست می دهد و نابود می شود.» (خانلری: ۲۴)

البته واضح است که این جملات نافی اهمیت لفظ در گفتار روزمره مردم نیست. زیرا اگر به کار بردن الفاظ منجر به ایجاد مشابهت معنایی نزد گویشوران یک زبان نشود، ارتباط دچار اختلال می شود و حتی ممکن است هیچ ارتباطی صورت نپذیرد. همچنین با توجه به اینکه تلاش برای به

وجود آوردن مشابهت معنایی بین فرستنده پیام و گیرنده های آن در هر گفتار رادیویی بدون توجه به الفاظ، بافت آنها در جمله و دقت در رعایت عناصر زبر زنجیری گفتار دشوار و حتی ناممکن به نظر می رسد، لازم است به بررسی لفظ مطلوب در گفتار رادیویی بپردازیم.

لفظ در گفتار رادیویی

تعداد واژگان، تعبیرها و الفاظی که عامه مردم در گفتار روزمره خود به کار می برند بسیار محدود است. چه بسا هر کدام از ما در طول روز با استفاده از تعداد محدودی از واژگان و الفاظ واژگان فعال زبان مقصود خود را بیان می کنیم و موفق به برقراری

ارتباط با دیگران می شویم. اما لازم است در گفتارهای رادیویی سراغ واژگان غیرفعالی رفت که در زنجیره گفتاری روزمره به کار نمی روند یا بسامد کاربرد آنها کم است اما آن واژگان ضمن تدارک معنای مورد نظر ما می توانند بر فصاحت کلام نیز اضافه کنند. البته بهره گرفتن از این واژگان نیازمند ظرافت طبع نویسنده ها و گوینده هاست تا حضور این الفاظ و تعبیر منجر به بروز تصنع و تکلف در کلام نشود. باید توجه داشت که الفاظ چون پوسته ای هستند که ما انتخاب می کنیم تا معنای مورد نظر خود را در درون آنها قرار دهیم و برای مخاطب ارسال کنیم. مخاطب نیز از دل این پوسته معنایی شبیه به معنای مورد نظر ما را استخراج می کند تا شرط

مشابهت معنایی بین فرستنده و گیرنده برای ایجاد ارتباط تحقق یابد. حال اگر این پوسته به دژی تسخیرناپذیر تبدیل شود هیچ ارتباطی برقرار نخواهد شد. با توجه به تنوع شبکه‌های رادیویی هیچ مخاطبی نیز برای ورود به این دژ، اسب تروا نخواهد ساخت بلکه موج رادیو را تغییر خواهد داد، البته اگر پیش‌تر آن را خاموش نکرده باشد!

نکته مهم دیگر این است که لفظ و معنا را نمی‌توان فارغ از موضوع بحث در برنامه سنجید و ارزیابی کرد. در نظر گرفتن موضوع برنامه اعم از اینکه علمی باشد یا ادبی و یا اجتماعی در سنجش رابطه لفظ و معنا بسیار مهم است. در زبان علمی الفاظ به معنای حقیقی خود به کار می‌روند. در این زبان واژه «مقاومت» معنایی روشن و دقیق و ثابت با واحد مشخص مهم دارد. اما همین واژه در زبان ادبی و اجتماعی مترادفاتی نظیر پایداری، صبر، استقامت و... دارد. این بیت از بیدل دهلوی درخصوص رابطه لفظ و معنا در زبان ادبی تأمل کردنی است:

بیدل! سخنم کارگه حشر معانی است
چون غلغله صور قیامت کلماتم
به تعبیر دکتر احمد سمعی گیلانی در کتاب **نگارش و ویرایش**، در زبان علمی لفظ، حجاب معنی نمی‌شود اما در زبان ادبی لفظ چون شیشه‌ای پر نقش و نگاری است که معنا در پس آن قرار دارد.

فصاحت کلام

فصاحت در لغت به معنی آشکاری و روشنی است و در اصطلاح به روشنی کلمه یا کلام و گشاده‌زبانی و خوش‌بیانی گوینده گفته می‌شود.

قدما در بحث از فصاحت آن را به سه بخش تقسیم کرده‌اند: فصاحت کلمه، فصاحت کلام و فصاحت متکلم. اما چون موضوع این مقاله رابطه لفظ و معنی در گفتار رادیویی است تنها به فصاحت کلمه اشاره کرده و از اطاله کلام پرهیز می‌کنیم.

فصاحت کلمه

کلمه فصیح کلمه‌ای است که تلفظ آن آسان بوده و اغلب مردم معنی آن را بدانند. قدما فصاحت کلمه را در خالی بودن آن از چند عیب می‌دانند که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

- تنافر حروف،
- غرابت استعمال،
- مخالفت با قیاس.

تنافر حروف: یعنی دشواری تلفظ کلمه به سبب گریزان بودن حرف‌های آن از یکدیگر یا از حروف کلمه مجاور، مثل «گرگ گر رام شود» البته باید توجه داشت که آسانی و دشواری تلفظ کلمات نسبی است، چه بسا کلماتی که تلفظ آنها برای اهل زبان آسان است ممکن است برای غیر اهل زبان دشوار باشد.

غرابت استعمال: نا آشنا بودن و نامأنوس بودن کلمه برای شنونده‌ها ممکن است منجر به دریافت نکردن معنای مورد نظر

در زبان گفتار لفظ به اعتبار دلالت بر معنی به کار می‌آید و بس

عربی‌گرایی متکلفانه و عربی‌زدایی متعصبانه نموده‌هایی از غرابت استعمال در گفتارهای رادیویی است که به فصاحت کلمه لطمه می‌زند. حتی به کاربرد برخی از واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی اگر همراه با القای معنای مورد نظر نباشد ممکن است باعث ایجاد اختلال در ارتباط شود. در این گونه موارد بهتر است واژه تازه وارد با همراهی واژه پیشین در جمله نشاندن شود تا از غرابت استعمال واژه تازه وارد کاسته و به مرور جایگاه آن در زبان تثبیت شود. مثل واژه سراچه به جای

«سوئیت» یا «آپارتمان کوچک و نقلی» به کار می‌رود.

مخالفت با قیاس: مورد دیگری که منجر به از بین رفتن فصاحت کلمه می‌شود مخالفت با قیاس بودن آن کلمه است و این در صورتی است که آن کلمه بر خلاف قاعده دستور زبان فارسی ساخته شده باشد. مثل واژه‌های «زباناً» و «جاناً» و «حسب‌الخواهش» یعنی آوردن کلمات فارسی با تنوین و یا با الف‌ولام که مخصوص زبان عربی است. هر چند که ممکن است برخی بگویند این الفاظ دلالت بر معنای مورد نظر ما می‌کنند، اما در گفتار رادیویی نباید لفظ را فدای معنی کرد مگر در جایی که بافت موقعیتی برنامه اقتضا کند، مثل شیوه گفتار برخی شخصیت‌های نمایشی در بعضی نمایش‌های رادیویی.

استفاده از کلمات با صورت ملفوظ مشابه و معنای متفاوت

موضوع دیگر در خصوص لفظ مناسب در گفتار رادیویی نحوه استفاده از کلماتی است که از نظر تلفظ به هم شباهت دارند اما از نظر معنی با یکدیگر متفاوت‌اند. بخشی از اقسام جناس که یکی از صنایع لفظی در علم بدیع است ناظر به همین گونه کلمات و الفاظ است. مثل «أمل و عمل» و «قضا و غزا و غذا». چون در رادیو شنونده فقط صورت ملفوظ زبان را آن هم به صورت زنجیره خطی و غیرقابل برگشت دریافت می‌کنند. هنگام استفاده از الفاظ و واژگانی که از جنس واژگانی دیگر بوده اما معنای متفاوت با آنها دارند باید از مترادفات لفظ مورد نظر بهره برد تا القای معنای مورد نظر صورت پذیرد. مثلاً در بافت‌های موقعیتی مناسب بهتر است «أمل» را در کنار «آرزو» نشانند و «عمل» را با «سعی و تلاش» آورد، «قضا» را در کنار «داوری» نشانند، «غزا» با «جنگ» آورد و همراه با واژه «غذا» از «آذوقه، توشه، خوردنی و...» استفاده کرد.

الفاظ در بافت موقعیتی جمله

بافت موقعیتی جملات در هر برنامه رادیویی اقتضائات خاص خود را از نظر انتخاب الفاظ و واژگان و ترکیب آنها با هم دارد. در کنار موسیقی، جلوه‌های صوتی و سکوت آنچه در خلق فضای مناسب در برنامه تأثیرگذاری بیشتری دارد کلمه است. زیرا کلمه به واسطه حضور یک منشاء انسانی (گوینده) تجلی پیدا می‌کند و مخاطب به تعبیری با صدایی از جنس صدای خود روبه‌روست. البته بافت موقعیتی جملات و نحوه حضور الفاظ در آن جملات متأثر از زبان برنامه است. زبان برنامه نیز تحت تأثیر عوامل گوناگونی نظیر

قالب برنامه، موضوع برنامه، مخاطب برنامه و زمان پخش برنامه است.

در قالبی مثل میزگرد مطالب باید به گونه‌ای باشند که هر لفظ دلالت بر معنایی مشخص و روشن نماید تا ضمن اینکه موضوع مورد بحث در برنامه نقد می‌شود شنونده نیز با بهره‌گیری از واژگان و الفاظ کلیدی برنامه در همراهی با برنامه دچار مشکل نشود. در حالی که در برنامه‌ای با قالب نمایشی گفتار شخصیت‌های نمایش غالباً پاسخ‌ها و اظهار نظرهای صریح و بی‌واسطه نیستند.

در شروع برنامه‌ای، با موضوع «بررسی ویژگی‌های زبانی فردوسی در شاهنامه»

مناسب است که بگوییم «به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد»، نه این که بگوییم «به نام خدایی که در این نزدیکی است لای این شب بوها».

زمان پخش هر برنامه نیز محدودیت‌ها و امتیازات خاص خود را از نظر نحوه به کارگیری الفاظ دارد. در برنامه‌های صبحگاهی عبارت «خسته نباشید» بی‌معناست. ضمن اینکه مثلاً در یک برنامه شبانه‌گاهی نیز اگر قالب و موضوع برنامه اقتضا نکند، نمی‌توان از الفاظی نظیر تحرک، هیاهو، غلغله، رفت و آمد و نظایر این‌ها استفاده کرد. هر چند که ممکن است افرادی به سبب نوع کار و

آخرین مرحله از مراحل ظهور و بروز گفتار در رادیو مرحله ای است که گوینده مطالب برنامه را به مخاطبان منتقل می‌کند. آنچه در این مرحله مهم است و ممکن است الفاظ و معانی را با هم پیوند دهد و یا حتی از هم بگسلد دقت یا بی‌دقتی در رعایت عناصر زبر زنجیری گفتار است



زندگی خود در آن ساعت از شب سر کار باشد، اما این موضوع را نمی‌توان به همه مخاطبان رادیو تعمیم داد.

مخاطبان هر شبکه یا برنامه رادیویی نیز با توجه به سن، جنس، میزان تحصیلات و موقعیت جغرافیایی محل سکونت خود زبان خاصی را از لحاظ ارتباط لفظ و معنا طلب می‌کنند. نمی‌توان در رادیو جوان به صورت یک اصل پذیرفته شده با همان زبانی سخن گفت که در شبکه‌ای مثل رادیو فرهنگ با مخاطبان سخن می‌گویند. در شبکه‌های استانی نیز که به دو زبان ملی و منطقه‌ای برنامه پخش می‌کنند نمی‌توان الگوهای رایج در برخی برنامه‌های شبکه‌های سراسری را تجویز کرد. با توجه به محیط و شیوه زندگی مخاطب برنامه‌سازان الفاظ و تعابیر خاصی را برای برقراری ارتباط برمی‌گزینند. مثلاً در استان آذربایجان شرقی بسامد استفاده از واژه «کوه» چه در گفتار گوینده‌ها و گزارشگران، چه در موسیقی‌های با کلام پخش شده از برنامه‌ها بسیار بیشتر از بسامد استفاده از واژه‌های نظیر «دریا» است. این بدان علت است که تعابیری که با استفاده از لفظ کوه ساخته می‌شوند معنایی ملموس‌تر و عینی‌تر برای مخاطبان این منطقه دارند. قطعاً عکس این قضیه در مورد استان‌های حاشیه دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان صادق است.

بدون شک هر چه ویژگی مخاطبان دقیق‌تر مشخص شود رسیدن به یک زبان مشترک از حیث ارتباط لفظ و معنا آسان‌تر خواهد بود.

رعایت عناصر زیرزنجیری

آخرین مرحله از مراحل ظهور و بروز گفتار در رادیو مرحله‌ای است که گوینده مطالب برنامه را به مخاطبان منتقل می‌کند. آنچه در این مرحله مهم است و ممکن است الفاظ

و معانی را با هم پیوند دهد و یا حتی از هم بگسلد دقت یا بی‌دقتی در رعایت عناصر زیرزنجیری گفتار است.

در گفتار عناصری چون مکث، تکیه، آهنگ، تأکید آوایی و لحن وجود دارند که در القای معنا دخیل‌اند. اینها به تعبیری نمود ملفوظ برخی از نشان‌های بیرون از دستگاه الفبایی (مانند نشانه‌های پرسشی، تعجبی، ویرگول، نقطه و...) هستند.

در خصوص عناصر زبر زنجیری گفتار تنها به آهنگ، تکیه و درنگ اشاره می‌کنیم و برای کسب آگاهی بیشتر مقاله «کاربرد زبان‌شناسی در هنر گویندگی» نوشته حسین همراهی را که در شماره هفدهم مجله رادیو، تیر ماه ۱۳۸۲ منتشر شده معرفی می‌کنیم.

آهنگ

آهنگ به آن زیر و بمی صدا گفته می‌شود که بر روی زنجیره آوایی جمله ظاهر می‌شود. به عبارتی دامنه آهنگ بر روی جمله است. به این سه جمله دقت کنید:

تو رفتی مدرسه.

تو رفتی مدرسه!

تو رفتی مدرسه؟

آنچه که در گفتار جمله اول را تبدیل به جمله‌ای خیری، جمله دوم را تبدیل به جمله‌ای تعجبی (بامفهوم تعجبی) و جمله سوم را به جمله پرسشی تبدیل می‌کند همان آهنگ کلام است.

تکیه

تکیه به زیر و بمی و یا کششی گفته می‌شود که بر روی واحد هجا ظاهر شده و آن را نسبت به هجاهای مجاور برجسته و یا مشخص می‌نماید. به عبارت بهتر باید گفت دامنه تکیه بر روی هجاست.

به این جمله دقت کنید: «به سلامت، مواظب خودت باش».

اگر در کلمه «سلامت» تکیه‌ای که باید روی هجای پایانی باشد روی هجای میانی قرار بگیرد آنگاه جمله فوق را می‌توان به این صورت نیز نوشت: «به سلام تو،

مواظب خودت باش» که البته بی‌معناست. همچنین در کلمه «خودت» اگر تکیه‌ای که باید روی هجای پایانی باشد روی هجای اول قرار گیرد، عبارت فوق به این معنی خواهد بود که فقط و فقط خودت باش و نه مواظب هیچ کس دیگر.

درنگ

درنگ یا مکث می‌تواند میان دو واژه ظاهر شود. نوع آشکار درنگ، درنگ میان‌واژه‌ای و درنگ پایان‌واژه است. درنگ میان‌واژه‌ای هنگامی ظاهر می‌شود که در صورت وصل ایجاد ابهام کند یعنی از جمله معنای دیگری غیر از معنای مورد نظر فهمیده شود.

این دو جمله را با هم مقایسه کنید:

آنها همه + کار می‌کنند.

آنها همه کار + می‌کنند.

جمله اول به خاطر درنگ بین دو کلمه «همه» و «کار» بار معنایی مثبت‌تری نسبت به جمله دوم دارد. جمله اول «آنها» را نزد ما مردمانی سختکوش معرفی می‌کند، در صورتی که جمله دوم به ما می‌گوید که «آنها» احتمالاً کارهای غیر قانونی هم انجام می‌دهند.

خلاصه اگر می‌خواهیم شبکه رادیویی که در آن کار می‌کنیم در عرصه رقابت با سایر رسانه‌ها و شبکه‌های رادیویی و جبهه‌ای ممتاز و شایسته داشته باشد، لازم است توان بالقوه آن را به فعلیت برسانیم. قطعاً بخش عمده‌ای از این توان، سخن گفتن با مخاطب است به شرطی که شیوه سخن گفتن در رادیو را بلد باشیم.

منبع:

- نائل خانلری، پرویز. (۱۳۶۴). درباره وزن شعر. تهران:

